

دعای صحیفه با صد و هفت تسبیح و برآورده شدن بیست و نه حاجت

۱۰۷ تسبیح ممتاز و رسیدن به ۲۹ حاجت دعای صحیفه سند دعای صحیفه عظمت دعای صحیفه : ثواب دعای صحیفه اگر با نیت خالص و پاک و عمل نیکو خوانده شود : متن ۱۰۷ تسبیح در دعای صحیفه :

دعای صحیفه

۱۰۷ تسبیح ممتاز و رسیدن به ۲۹ حاجت

امام رضا علیه السلام فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقَيْلَ وَالْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ [۱]** خداوند پرگویی و تلف کردن مال و بسیاری درخواست و اظهار حاجت را دشمن می‌دارد. بر اساس این حدیث و احادیث کتمان که یکی از آنها کتمان مصیبت‌ها و مشکلات و حاجت‌هاست، لازم است برای رسیدن به نیازهای خود به یکی از مصادیق تسبیح تمسک کنیم. ۱۰۷ تسبیح در دعای صحیفه هست که با آن به درگاه خداوند عرض حاجت کنیم و به حوائج ۲۹ گانه خود که از آثار این تسبیح است، برسیم. زیبایی این ۱۰۷ تسبیح این است که هر تسبیحی با اسم و وصفی که آخر تسبیح قبل بوده، شروع می‌شود.

سند دعای صحیفه:

از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از حضرت پیغمبر علیه السلام روایت شده است:

در حالی که پشت مقام ابراهیم نماز می‌گزاردم، جبرئیل علیه السلام نازل شد. پس... گفت: ای محمد! سفارش می‌کنم تو را که امت خود را امر نمایی که سه روز ایام البیض را روزه بگیرند که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماهی است، و سفارش می‌کنم تو را که امت خود را امر نمایی که در این سه روز این دعای شریف را بخوانند.

عظمت دعای صحیفه:

- ۱) پس به به برکت این دعا فرشتگان حمل کننده عرش هستند
- ۲) و حضرت جبرئیل به برکت این دعا به زمین نازل می‌شود و به آسمان بالا می‌رود
- ۳) و این دعا بر درهای بهشت و بر حجره‌ها و کنگره‌ها و بر منزل‌های آن نوشته شده است
- ۴) و بهترین دعا بعد از قرآن کریم برای امت پیامبر صلی الله علیه و آله است
- ۵) و دارای اسم اعظم خدای تعالی می‌باشد

۶) و اگر درختان دنیا قلم و دریاها مرگب و همه خلایق نویسنده گردند، بر نوشتن ثواب قاری این دعا قدرت ندارند.

۷) محشور شدن خلایق در روز قیامت به برکت این دعاست.

ثواب دعای صحیفه اگر با نیت خالص و پاک و عمل نیکو خوانده شود:

۱) چندین برابر شدن قوت حافظه

۲) تقویت شعور و علم

۳) زیاد شدن عمر

۴) صحت و سلامتی بدن

۵) دفع ۷۰ آفت از آفات دنیا و ۷۰۰ آفت از آفت های آخرت

۶) گشوده شدن درهای بهشت

۷) برطرف شدن عذاب قبر

۸) نجات از عذاب آتش

۹) آزاد شدن دربند

۱۰) برطرف شدن غم و اندوه

۱۱) برآورده شدن حاجات دنیا و آخرت

۱۲) حفظ از مرگ ناگهانی

۱۳) حفظ از هول و سختی قبر

۱۴) حفظ از فقر در دنیا

۱۵) اذن شفاعت در روز قیامت با روی خندان

۱۶) داخل شدن در دارالسلام و غرفه ها و حله های بهشتی

۱۷) ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ابراهیم خلیل و موسی کلیم و عیسی و

محمد؛ اگر در حال روزه این دعا را بخواند.

۱۸) محشور شدن در قیامت در کنار جبرئیل علیه السلام و درخشیدن او چون ماه شب بدر اگر

در مدت عمر خود پنج مرتبه بخواند.

۱۹) همسایگی ابراهیم علیه السلام و محمد در بهشت

۲۰) توفیق پاک شدن از گناهان

۲۱) دیدن پیامبر گرامی در خواب و بشارت بهشت، اگر در وقت خواب پنج مرتبه با وضو

خوانده شود.

۲۲) سیر شدن گرسنه و سیراب شدن تشنه

۲۳) شفای بیمار اگر بر او خوانده شود.

- (۲۴) پیدا شدن چیزی که دزدیده شده است، اگر بعد از دو رکعت یا چهار رکعت نماز خوانده شود و در هر رکعت سوره حمد یک بار و سوره اخلاص دو مرتبه.
- (۲۵) حفظ از دشمن و قدرت نیافتن دشمن بر او و پیروزی در جنگ با دشمن
- (۲۶) استجاب دعا
- (۲۷) مشمول دعای ملائکه و جن و انس شدن
- (۲۸) دریافت نور اولیاء
- (۲۹) آسان شدن هر امر دشوار [۲]

و اما دعای صحیفه:

- (۱) سه مرتبه می گویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**
تسبیح می کنم خدایی را که بزرگ است و به حمد او مشغولم (سپس می گویی):
- (۲) **سُبْحَانَهُ مِنْ إِلَهٍ مَا أَمْلَكُهُ**
منزه است خدا! شگفتا معبودی که چه اندازه مالک است!
- (۳) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيكَ مَا أُقَدَّرُهُ**
و منزه است خدا! شگفتا پادشاهی که چقدر تواناست!
- (۴) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيرٍ مَا أَعْظَمَهُ**
و منزه است خدا! شگفتا بسیار توانایی که چه اندازه بزرگ است!
- (۵) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَجَلَّهُ**
و منزه است خدا! شگفتا بزرگی که چه اندازه بزرگوار است!
- (۶) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَلِيلٍ مَا أَمْجَدَهُ**
و منزه است خدا! شگفتا بزرگواری که چه اندازه بزرگ است!
- (۷) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَا جَدَّ مَا أَرَأَفَهُ**
و منزه است خدا! شگفتا بزرگی که چه اندازه مهربان است!
- (۸) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَعُوفٍ مَا أَعَزَّهُ**
و منزه است خدا! شگفتا مهربانی که چقدر عزیز است!
- (۹) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَزِيزٍ مَا أَكْبَرَهُ**
و منزه است خدا! شگفتا عزیزی که چه اندازه بزرگ است!
- (۱۰) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَقْدَمَهُ**
و منزه است خدا! شگفتا بزرگی که چه همیشگی است!
- (۱۱) **وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيمٍ مَا أَعْلَاهُ**

- و منزّه است خدا! شگفتا جاودانی که چه اندازه بلندمرتبه است!
- (۱۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَالٍ مَا أَسْنَاهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا بلند مرتبه‌ای که چه اندازه رفعت دارد!
- (۱۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَنِیٍّ مَا أَبْهَاهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا رفیعی که چه اندازه نیکوست!
- (۱۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَهِيٍّ مَا أَنْوَرَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا نیکویی که چه اندازه نورانی است!
- (۱۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنِيرٍ مَا أَظْهَرَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا از روشنایی که چه اندازه آشکار است!
- (۱۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ مَا أَخْفَاهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا ظاهری که چه پنهان است!
- (۱۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَفِيٍّ مَا أَعْلَمَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا از پنهانی که چه اندازه داناست!
- (۱۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَلِيمٍ مَا أَخْبَرَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا از دانایی که چقدر آگاه است!
- (۱۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَيْرٍ مَا أَكْرَمَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا از آگاهی که چه اندازه کریم است!
- (۲۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا أَلْطَفَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا بخشنده‌ای که چه اندازه لطف دارد!
- (۲۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَبْصَرَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا از مهربانی که چه بیناست!
- (۲۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْمَعَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا بینایی که چه شنواست!
- (۲۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا أَحْفَظَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا شنوایی که چه اندازه نگاه دارنده است!
- (۲۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَفِیْظٍ مَا أَمْلَأَهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا نگاه دارنده‌ای که چقدر توانگر است!
- (۲۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا أَوْفَاهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا توانگری که چه صاحب عطاست!
- (۲۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا أَغْنَاهُ
- و منزّه است خدا! شگفتا دهنده‌ای که چه اندازه بی‌نیاز است!

(۲۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيِّ مَا أُعْطَاهُ

و منزّه است خدا! شگفتا بی‌نیازی که چقدر صاحب بخشش است!

(۲۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا أُوسِعَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا بخشنده‌ای که چه وسعت بخش است!

(۲۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا أُجُودَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا رزق دهنده‌ای که چه اندازه بخشنده است!

(۳۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أُفْضَلَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا بخشنده‌ای که چه اندازه صاحب فضل است!

(۳۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَنْعَمَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا صاحب فضلی که چقدر نعمت بخش است!

(۳۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعَمٍ مَا أُسِيدَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا نعمت دهنده‌ای که چه سرور است!

(۳۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا أَرْحَمَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا سروری که چه اندازه مهربان است!

(۳۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَشَدَّهُ

و منزّه است خدا! شگفتا مهربانی که چه اندازه سخت گیر است!

(۳۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَقْوَاهُ

و منزّه است خدا! شگفتا سخت‌گیری که چقدر نیرومند است!

(۳۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْكَمَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا نیرومندی که چه فرزانه است!

(۳۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَشَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا حکیمی که چه صاحب قهر است!

(۳۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا أَقْوَمَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا صاحب قهری که چه اندازه پابرجاست!

(۳۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا أَحْمَدَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا به خود برپایی که چقدر ستوده است!

(۴۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَدْوَمَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا ستوده‌ای که چه همیشگی است!

(۴۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ

و منزّه است خدا! شگفتا جاودانی که چه ماندگار است!

(۴۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أُفْرَدَهُ

و منزه است خدا! شگفتا ماندگاری که چه اندازه بی‌همتا است!

(۴۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا أَوْحَدَهُ

و منزه است خدا! شگفتا بی‌همتایی که چه یکتا است!

(۴۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَاحِدٍ مَا أَصَمَدَهُ

و منزه است خدا! شگفتا یکتایی که چقدر مورد توجه و بی‌نیاز است!

(۴۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا أَمْلَكَهُ

و منزه است خدا! شگفتا بی‌نیازی که چه اندازه مالک است!

(۴۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ

و منزه است خدا! شگفتا مالکی که چه صاحب اختیار است!

(۴۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَا أَعْظَمَهُ

و منزه است خدا! شگفتا صاحب‌اختیاری که چقدر بزرگ است!

(۴۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ

و منزه است خدا! شگفتا بزرگی که چه اندازه کامل است!

(۴۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَامِلٍ مَا أَتَمَّهُ

و منزه است خدا! شگفتا کاملی که چه تمام است!

(۵۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍ مَا أَعْجَبَهُ

و منزه است خدا! شگفتا تمامی که چه اندازه نیکوست!

(۵۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ

و منزه است خدا! شگفتا نیکویی که چه صاحب‌فخر است!

(۵۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ فَاخِرٍ مَا أَبْعَدَهُ

و منزه است خدا! شگفتا فخرکننده‌ای که چه اندازه دور است!

(۵۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ

و منزه است خدا! شگفتا دوری که چه نزدیک است!

(۵۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ

و منزه است خدا! شگفتا نزدیکی که چه اندازه غالب است!

(۵۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ

و منزه است خدا! شگفتا غلبه‌کننده‌ای که چقدر مسلط است!

(۵۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ

و منزه است خدا! شگفتا چیره‌ای که چه بخشاینده است!

(۵۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ مَا أَحْسَنَهُ

و منزه است خدا! شگفتا بخشاینده‌ای که چه اندازه نیکوکار است!

- (۵۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا نیکوکاری که چه زیباست!
- (۵۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَمِيلٍ مَا أُقْبَلُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا زیبایی که چه اندازه پذیرنده [توبه] است!
- (۶۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكُرُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا توبه‌پذیری که چه سپاسگزار است!
- (۶۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أُغْفَرُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا سپاسگزاری که چه اندازه آمرزنده است!
- (۶۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ مَا أَكْبَرُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا آمرزنده‌ای که چه اندازه بزرگ است!
- (۶۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا از بزرگی که چه صاحب جبروت است!
- (۶۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ جَبَّارٍ مَا أَدِينُهُ
و منزّه است خدا! شگفتا صاحب جبروتی که چه اندازه جزادهنده است!
- (۶۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ دَيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا جزادهنده‌ای که چه اندازه حکم کننده است!
- (۶۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا حکم کننده‌ای که چه حاکم است!
- (۶۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا أَنْفَدَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا حاکمی که چه فرمانش جاری است!
- (۶۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا فرمانروایی که چه قدر مهربان است!
- (۶۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا مهربانی که چه اندازه آفریننده است!
- (۷۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَقْهَرَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا آفریدگاری که چه اندازه چیره است!
- (۷۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاهِرٍ مَا أَمْلَكَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا چیره‌ای که چه صاحب مملکت است!
- (۷۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيكٍ مَا أَقْدَرَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا پادشاهی که چه قدر تواناست!
- (۷۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَادِرٍ مَا أَرْفَعَهُ

- و منزّه است خدا! شگفتا توانایی که چه اندازه بلندپایه است!
- (۷۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَفِيعٍ مَا أَشْرَفَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا بلندپایه‌ای که چه اندازه شریف است!
- (۷۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ مَا أَرْزَقَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا شریفی که چه روزی بخش است!
- (۷۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَازِقٍ مَا أَقْبَضَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا روزی دهنده‌ای که چه تنگ گیر است!
- (۷۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِضٍ مَا أَبْسَطَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا تنگ گیری که چه وسعت بخش است!
- (۷۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاسِطٍ مَا أَهْدَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا روزی گستراننده‌ای که چه اندازه راهنماست!
- (۷۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ هَادٍ مَا أَصْدَقَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا راهنمایی که چقدر راستگوست!
- (۸۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ مَا أَبْدَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا راستگویی که چه اندازه آشکار است!
- (۸۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَادِيٍّ مَا أَقْدَسَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا ظاهری که چه منزّه از عیب هاست!
- (۸۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قُدُّوسٍ مَا أَظْهَرَ [مَا أَطْهَرَ]
و منزّه است خدا! شگفتا شکوهمندی که چقدر ظاهر [پاکیزه] است!
- (۸۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ [مِنْ طَاهِرٍ] مَا أَرْكَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا آشکاری [پاکیزه‌ای] که چه پاک است!
- (۸۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَبْقَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا پاکی که چه اندازه ماندگار است!
- (۸۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَاقٍ مَا أَعُودَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا ماندگاری که چه اندازه بازگرداننده است!
- (۸۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَوَادٍ [مُعِيدٍ] مَا أَفْطَرَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا بازگرداننده‌ای که چه آفریننده است!
- (۸۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ قَاطِرٍ مَا أَرْعَاهُ
و منزّه است خدا! شگفتا آفریننده‌ای که چه اندازه نگاه دارنده است!
- (۸۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ رَاعٍ مَا أَعُونَهُ
و منزّه است خدا! شگفتا نگاه دارنده‌ای که چه یاور است!

- (۸۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُعِينٍ مَا أَوْهَبَهُ
و منزله است خدا! شگفتا یاری کننده‌ای که چه اندازه بخشنده است!
- (۹۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ وَهَابٍ مَا أَتُوبَهُ
و منزله است خدا! شگفتا بسیار بخشنده‌ای که چقدر توبه پذیر است!
- (۹۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ مَا أَسْخَاهُ
و منزله است خدا! شگفتا توبه پذیری که چه اندازه سخی است!
- (۹۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَخِيٍّ مَا أَبْصَرَهُ
و منزله است خدا! شگفتا دهنده‌ای که چه اندازه بیناست!
- (۹۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا أَسْلَمَهُ
و منزله است خدا! شگفتا بینایی که چه اندازه سالم است!
- (۹۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ سَلِيمٍ مَا أَشْفَاهُ
و منزله است خدا! شگفتا ساملی که چقدر شفادهنده است!
- (۹۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَافٍ مَا أَنْجَاهُ
و منزله است خدا! شگفتا شفادهنده‌ای که چه اندازه رهایی بخش است!
- (۹۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُنْجٍ مَا أْبْرَهُ
و منزله است خدا! شگفتا نجات دهنده‌ای که چه اندازه نیکوکار است!
- (۹۷) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ بَارٍ مَا أَطْلَبَهُ
و منزله است خدا! شگفتا نیکوکاری که چقدر خواهنده است!
- (۹۸) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ مَا أَدْرَكَهُ
و منزله است خدا! شگفتا خواهنده‌ای که چه صاحب ادراک است!
- (۹۹) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُدْرِكٍ مَا أَشَدَّهُ
و منزله است خدا! شگفتا ادراک کننده‌ای که چه چیز او را سخت گیر است!
- (۱۰۰) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَعْطَفَهُ
و منزله است خدا! شگفتا سخت گیری که چه اندازه مهربان است!
- (۱۰۱) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَعَطِّفٍ مَا أَعَدَلَهُ
و منزله است خدا! شگفتا مهربانی که چه دادگر است!
- (۱۰۲) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ عَادِلٍ مَا أَتَّقَنَهُ
و منزله است خدا! شگفتا دادگری که چه اندازه فرمانش استوار و محکم است!
- (۱۰۳) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مُتَّقِنٍ مَا أَحْكَمَهُ
و منزله است خدا! شگفتا محکم کننده‌ای که چه قدر فرزانه است!
- (۱۰۴) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَكْفَلَهُ

و منزّه است خدا! شگفتا حکیمی که چه ضامن و سرپرست است!

(۱۰۵) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ كَفِيلٍ مَا أَشْهَدُهُ

و منزّه است خدا! شگفتا ضامنی که چه اندازه گواه است!

(۱۰۶) وَ سُبْحَانَهُ مِنْ شَهِيدٍ مَا أَحْمَدُهُ

و منزّه است خدا! شگفتا گواهی که چقدر ستوده است!

(۱۰۷) وَ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَ بِحَمْدِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَافِعِ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ.

و منزّه است او! اوست خدای بزرگ و به سپاس او مشغولم. و همه حمد از برای خداست. و معبودی جز خدا نیست. و خدا بزرگ تر است از آنکه به وصف درآید. و ستایش از برای خداست. و حرکت و قدرتی نیست مگر به قدرت خدای بلندمرتبه بزرگ، دفع کننده هر بلا. و اوست مرا بس است و نیکو کارسازی است.

تذکر اول: دلیل نام گذاری دعا به صحیفه

این دعا به دعای صحیفه مشهور است، از جهت آنکه جبرئیل ۷ آن را بر صحیفه ای نوشته بر پیغمبر ۹ نازل نمود.

تذکر دوم: معنا و مفهوم فرازهای عجیب این دعا

«وَ سُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيكَ مَا أَقْدَرَهُ»

«و منزّه است خدا! شگفتا پادشاهی که چقدر تواناست!»

حاصل معنی آنکه از قدرت و توانایی او تعجب می کنم. از جهت آنکه احدی نمی تواند آن را درک کند و کسی نمی تواند به آن قدرت برسد، محلّ تعجب بسیار است. و عبارت «سبحان الله» در اصل به معنی تنزیه و تقدیس است، یعنی منزّه است خدای تعالی یا آنکه تسبیح می کنم خدا را و در این فقرات دعا کنایه از تعجب است، چون هر گاه انسان از چیزی تعجب می کند، می گوید: «سبحان الله» و سزاوار است که با هر سبحان الله که می گوئیم، پاکی خود را نیز از خداوند منان بخواهیم.

یکی از احادیث امام رضا علیه السلام

علت ذکر تسبیح در رکوع و سجود = [تقدیس و تسبیح خداوند با (کمال خضوع و خشوع + عبودیت + پارسایی + بینوایی و فروتنی + تقرب) + تقدیس و تسبیح او در حال (اطاعت + بزرگداشت + شکر خالق و رازق) + منحرف نشدن اندیشه + فریب نخوردن با آرزوها]

فضل بن شاذان از امام رضا: پس اگر بگوید: چرا در رکوع و سجود ذکر تسبیح آمده است؟ گوییم: برای علت هایی که از آن جمله است:

- (۱) بنده با کمال خضوع و خشوع
- (۲) و عبودیت و پارسایی
- (۳) و بینوایی و کوچکی و فروتنی
- (۴) و تقریبی که به سوی پروردگار خود داراست،
- (۵) تقدیس کننده
- (۶) تمجید کننده
- (۷) و تسبیح کننده او باشد
- (۸) و مطیع
- (۹) بزرگ دارنده
- (۱۰) و شکر کننده آفریننده و روزی دهنده خود باشد،
- (۱۱) و اندیشه اش منحرف نشود
- (۱۲) و آرزوها او را به بیراهه و سوی غیر او نبرد.

فَإِنْ قَالَ قَلِمَ جَعَلَ التَّسْبِيحَ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ قِيلَ لَعَلَّ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ خُضُوعِهِ وَخُشُوعِهِ وَتَعَبُّدِهِ وَتَوَرُّعِهِ وَاسْتِكَانَتِهِ وَتَذَلُّهُ وَتَوَاضَعَهُ وَتَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مَقْدَسًا لَهُ مُمَجِّدًا مُسَبِّحًا مُطِيعًا مُعَظَّمًا شَاكِرًا لِخَالِقِهِ وَرَازِقِهِ فَلَا يَذْهَبُ بِهِ الْفِكْرُ وَالْأَمَانِيُّ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ [۳]

[۱]- تحف العقول، ص: ۴۴۳

[۲]- مهج الدعوات و منهج العبادات، ص: ۷۹ از سید بن طاووس (با کمی تغییر در کیفیت نوشتن)

[٣]- عيون أخبار الرضا، ج: ٢، ص: ١٠٧ - ٣٤ باب العلل التي ذكر الفضل بن شاذان في آخرها أنه سمعها من الرضا علي بن موسى ٨ مرة بعده مرة و شيئاً بعد شيء فجمعها

بحار الأنوار ج ٨٢، ١٠١، باب ٢٦ الركوع و أحكامه و آدابه و عله